



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: نغمه فتاحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۲۲۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



اندر احوال پیدایش بی رویه ورکشاپ های بازیگری

سوابق اینجانب

۱. پنج تا ۱۱ فیلمهای مهم دنیا رو میتوانم نام ببرم
۲. دو پلان از جلوی دوربین رد شدم
۳. با بازیگران زیادی عکس دارم
۴. ظاهریم کاملاً هنریه
۵. از خونه مادرم قهر کردم

بازیکن حواس جمع



شخصی هم وجود دارد، مغز متفکر این گروه سه نفره است، او گروه را هدایت و نقشه ها را طراحی می کند، همین ویژگی ریلست و سیادت هم هست که به اسد لبعادی ترسناک بخشیده است.

به چشم آمدن در نقش های کوتاه و ظاهراً کم اهمیت به تدریج تبدیل به اصلی ترین مولفه ی بازی بهرام افشاری شد، بهرام افشاری در سریال «علی البدل» هم نقشی فرعی دارد؛ هرگز یکی از ماموران انتظامات چشمه قلقل است، زوج او، هومن حاجی عبداللهی است و قرار است تضاد فیزیکی این دو نفر سبب ایجاد موقعیت های طنز شود، سریال، پیچیدگی «پایتخت» را ندارد و نقش هر مز هم بعد از چند قسمت به تکرار می افتد، اما آن استعداد ذاتی افشاری در این سریال نه چندان جذاب هم به کمک او می آید تا نقش هر مز از دست نرود، بهرام افشاری همیشه بقدر حواس جمع بوده که در کنار نقش های کم دی با انتخاب نقش های جدی توازن به کارنامه اش بیخشد تا به عنوان بازیگری تک ساحتی شناخته نشود، همین حواس جمع هم باعث شده است که افشاری نقش های جدی اش را هم با ظرافت و وسوسه جالب توجه انتخاب کند.

ظرافت و وسواسی که او را از کلیشه ای شدن و تک بعدی شدن در سینمای ایران نجات داده و باعث شده با انتخاب نقش های غیر کم دی جذاب کارنامه هنری بهرام افشاری دچار توازن شگفت انگیزی شود، پیام مکین «میدان سرخ» خلافاکاری است که صلابت، معرفت و احساسات رمانتیک را توأم با آن دارد، او معنای عشق را می فهمد و حواسش به زیر دستش هست تا مبادا حقوق دریافتی خود را خرج عیش و نوش کند تا دست زن و بچه شان خالی بماند، افشاری توانسته این ظرافت ها و تفاوت های شخصیتی در پیام مکین را دقیق از کار در بیاورد و در عین حال حواسش به بن مایه اصلی نقش یعنی صلابت باشد.

ماژیلر و کیلی - اولین چیزی که از بهرام افشاری در ذهن هانقش می بندد، فیزیک متفاوت اوست، قد بلند، دست و پای کشیده، صورتی که خشم و رندی را توالمان دارد و چشمانی که هوش و خشونت از آنها می بارد، از مشخصه های اصلی بهرام افشاری است، مشخصه هایی که باعث شده است بهرام افشاری به یک بازیگر خاص در سینمای ایران بدل شود، بازیگری که با توجه به فیزیک خاص و متفاوتش می تواند رنگین کملی از نقش های مختلف را بازی کند، کارنامه نه چندان سنگین اما با کیفیت بهرام افشاری هم بیانگر همین تنوع و تفاوت است، او در کارنامه ی هنری اش انواع نقش ها را دارد، از نقش کم دی «پایتخت» بگیر تا نقش جدی در فیلم های تلخی مانند «لاتوری»، در همین مدت اندک و با همین نقش های محدود، افشاری ثلث کرده است که بازیگری متفاوت در سینمای ایران است و قابلیت این را دارد که از فیزیک خلصش برای بازی در نقش های متنوع استفاده کند، نقش هایی که می تواند جایگاه او را به عنوان یک ستاره تثبیت کند.

کار افشاری در «لاتوری» مانند کاریک بازیکن تعویضی در فوتبال است که در ثانیه های پایانی و صرفاً برای اتلاف وقت به میدان می آید، اما از همان فرصت کم استفاده می کند و با یک بازی درخشان و متفاوت یا شاید زدن یک گل در خطر تملش اگر این می ماند و خودش را به مربی تحمیل می کند، «لاتوری» برای بهرام افشاری دقیقاً چنین وضعیتی داشت، او از همین فرصت اندک استفاده کرد و با درخشش در نقشی کوتاه در این فیلم متفاوت خودش را به سینمای ایران تحمیل کرد.

«کارگر ساده نیازمندیم» متوجه هادی فیلم کاملی نیست، اما نقش قدم برای بهرام افشاری تبدیل به سکوی پرتابی شد تا در سینمای ایران دیده شود، قدم به عنوان یک کارگر ساده فلافلی که عشق نیمه می ممنوعه دختر اوستای خودش را در دل می پروراند، در عین سادگی و تلخی رگه هایی از حلاوت و شیرینی را هم درون خود دارد، افشاری توانسته با استفاده درست و به اندازه از لهجه ترکی، نگاه های طنز و آمیخته به حسرت و خنده هایی که در یاد تماشاگر می ماند قدم را به شخصیتی چند وجهی تبدیل کند که در مرتبه ی بسیار بالاتری از کل فیلم متوجه هادی قرار می گیرد.

«صحنه زنی» نشانه گر ابعاد دیگری از توانایی های بهرام افشاری است، اسد به عنوان یک خلافاکار که اهداف مشخصی در زندگی اش دارد همان نقشی بود که افشاری در تمام سال های فعالیتش انتظار آن را می کشید، اسد که پشت خلافاهایش انگیزه های

بهتره!

www.ewano.app



هواداری با

خرید بسته
پرداخت قبض

کارت به کارت
خرید شارژ